

# سلطان علی شهمکدی

ابوالفضل ذابح

از امیرالمؤمنان منقول است: «الخط الحسن للفقیر مال وللعنی جمال ولا کابر کمال» .

خط خوب برای فقیر مال، برای غنی جمال و برای بزرگان کمال است .

بطور یتیم پیدایش خط، یکی از بزرگترین رویدادهای تمدن بشری است که طی قرون متمادی راه تکامل پیموده است. خط، علاوه بر اینکه وسیله‌ی برای مبادله‌ی افکار و ابلاغ معانی بوده است، راهگشای تجلی هنر خطاطان و خوشنویسان نیز بوده که به حکم سنت‌های رایج شرع، از پیکرنگاری و تصویرگری منع شده بودند. والبته در این میان نباید سهم ایرانیان را زیاد برد.

با اینکه خط فارسی دارای منشاء عربی و سامی است می‌بینیم که به حکم غریزه‌ی زیباآفرینی و نوآوری هنرمندان ایرانی، این خط به ظرفیت‌های تازه‌ای دست یافته، با شکستن اصول وقواعد گذشته، دارای شخصیتی کاملاً متمایز و مستقل شده که ناشی از طبع لطیف و ذوق و تحلیل ایرانی بوده است. در حدود آغاز قرن نهم، متناوباً سه خط دیگر در میان خطوط اسلامی جلوه گر شد که باید آنها را خطوط خاص ایرانی دانست، زیرا اگرچه الفبای این خطوط، همان الفبای مأخوذ از عربی است، ولی شکل و ترکیب آنها با سایر خطوط اسلامی متفاوت است. حتی ترکیب و گردش حروف در آنها نیز به خطوط باستانی ایران یعنی پهلوی و اوستایی شباهت دارد. این سه خط که بنام تعلیق، نستعلیق و شکسته‌ی نستعلیق شناخته شده است به تناوب در ظرف مدت سه قرن وضع شد و ایرانیان با سلیقه‌ی خاص خود، در اندک زمانی، شیوایی آن را به درجه‌ی کمال رسانیدند و با اینکه خطاطان دیگر کشورها مانند هندوستان و ترکیه‌ی عثمانی و حتی مصر از آن تقلید کردند، هیچگاه به پایه و مایه‌ی ایرانیان نرسیدند .

خط تعلیق که در آغاز، خط تحریر کتابها و نامه‌ها بود کم کم به صورت شکسته درآمد و به واسطه‌ی زیبایی شکل حروف و کلمات و سطور، موضوع خوشنویسی و هنر شد. و استادان زبردستی در این رشته بوجود آمدند.

در نیمه‌ی دوم قرن هشتم، دومین و معروفترین خط ایرانی یعنی نستعلیق که به عروس خطوط اسلامی مشهور است ظهور کرد. اگر چه پس از ظهور این خط که از ظریفترین و دقیقترین آثار هنری ایران است، از سایر خطوط اسلامی نیز استفاده می‌شد و در نوشتن قرآن‌ها و کتیبه‌ها و بعضی کتابها، اقلام ششگانه را بکار بردند، خط مخصوص ایرانیان همان نستعلیق بود که شاید از آغاز قرن نهم به بعد بیش از سه چهارم کتابت ایرانیان را به خود اختصاص داد.

میرعلی تبریزی اولین کسی بود که این نوع خط را تحت قاعده آورد و به آن روشی روشن بخشید و از سایر اقلام متمایز ساخت، چنانکه سلطانعلی مشهدی گوید :

نسخ تعلیق اگر خفی و جلیست واضح الاصل خواهد میرعلیست  
تا که بوده است عالم و آدم هر گر این خط نبوده در عالم  
وضع فرموده اوز ذهن دقیق از خط نسخ و از خط تعلیق  
بعد از میرعلی کم کم در خط نستعلیق استادانی بزرگ پیدا  
شدند و پس از او این رشته به دست میرزا جعفر تبریزی افتاد.  
میرزا جعفر با سنغری که در نزد خوشنویسان و خط‌شناسان  
به خوشنویسی در نستعلیق معروف شده، در جمیع خطوط متداول  
استاد بود. از مهم‌ترین آثار وی کتابت یک نسخه از شاهنامه‌ی  
فردوسی است که به دستور بایسنغر میرزای تیموری انجام و  
به بهترین تذهیب آراسته شده است .

باری، پس از میرزا جعفر، خط نستعلیق به‌ظاهر تبریزی<sup>۲</sup>  
و از او به معروفترین نستعلیق‌نویس متقدم یعنی سلطانعلی مشهدی  
رسید.

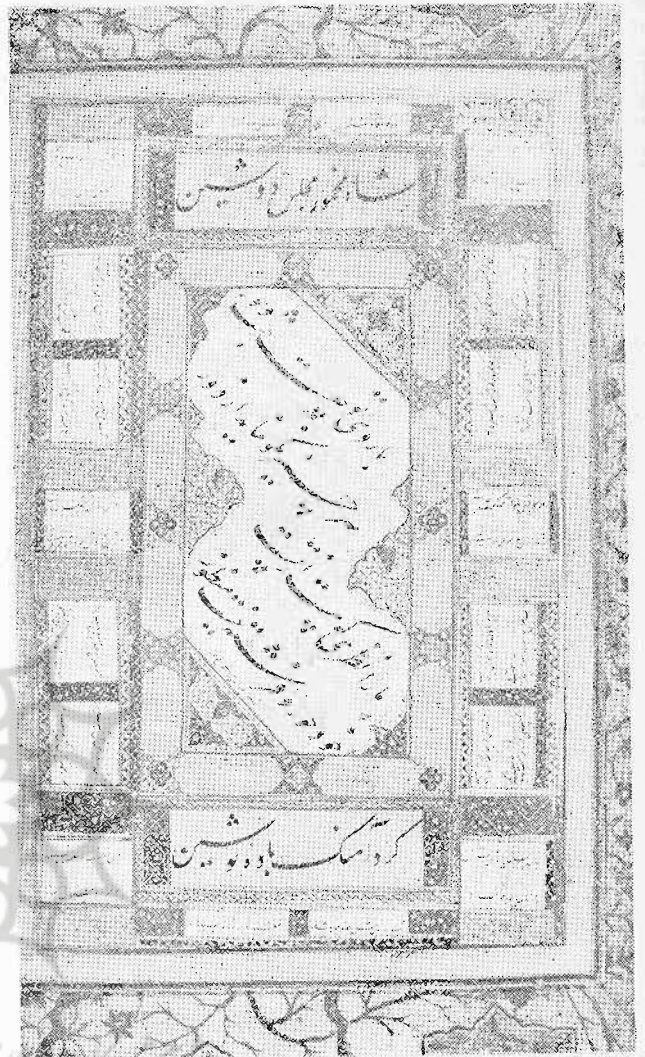
سلطانعلی بن محمد مشهدی بسال ۸۴۱ هجری در شهر مقدس مشهد چشم به جهان گشود. در هفت سالگی پدرش کتنبها چهل سال از عمرش را پشت سر گذاشته بود زندگی را بدرود گفت و پس از او سلطانعلی در کنف حمایت و دامان تربیت مادر خود روزگار گذرانید.

در بیست سالگی در مشهد وارد مدرسه شد. او از صبح تا شام به مشق خط می پرداخت و بسا روزها را روزه دار بود و شب هنگام بزیارت آستانه ی رضوی رفته، از آنجا نزد مادر می آمد و کمر خدمت وی می بست.

ممارست وی در مشق خط، وی را شهره ی شهر مشهد ساخته بود از اینرو شاگردان بسیاری نزد وی می آمدند و او با شوق فراوان به تعلیم ایشان مشغول بود.

سلطانعلی از دوران کودکی شوق خوشنویسی در سر داشته، به جای بازی با کودکان در کوی و برزن پیوسته در عالم کود کانه ی خود بدون معلم و سرمشق، مشق می کرد، تارو زری میرمفلسی که از شعرا و اوتاد عارفان مشهد بود، او را دید، قلم و دیوات و کاغذ را از وی گرفت و حروف را مطلقاً نوشت و سرمشق را به وی داد. این امر سبب شده که شوق وی به نوشتن خط زیاد شود، تا آنجا که نیت روزه ی امیرالمومنین کرد. او خود گوید که آن حضرت به خواب وی آمد و خط او را دید و قلم بدستش داد، اسرار خط را به او آموخت:

نیت روزه ی علی کردم  
قلم مشق را جلی کردم  
در خیال این که کار بگشاید  
شه به خوابم جمال بنماید  
تا شبی خواب دیدم از ره دید  
که خطم دید و جامه ام بخشید  
خواب را مختصر نمودم باز  
قصه خواب هست دور و دراز  
پیش از زین سخن نیارم گفت  
که ندارم مجال گفت و شنفت  
تا کسی پرده ی خرد نبرد  
در حق من گمان بد نبرد  
بنده سلطان علی، غلام علیست  
شهرت خط او ز نام علیست  
روز و شب گوید از نبی و ولی  
ذکرش این است از خفی و جلی



قطعه خط نستعلیق چلیبا با لچک های مذهب بقلم دودانگ و حواشی بقلم کتات خفی یا حاشیه ی تشبیر.

بخط سلطان محمدنور از شاگردان اربعه مولانا سلطانعلی مشهدی

قرن دهم ه. ق

اندازه بدون حواشی ۳۷×۱۷

موزه هنرهای ترائینی ایران

۱- خطوط محقق - ریحان - ثلث - نسخ - رقاع و توقیع را اقلام سته گویند که واضع آنها محمدبن علی فارسی (ابن مقبله) وزیر خلیفه ستمگر الراضی بالله، از مردم بیضای فارس بود و در علوم فقه و تفسیر و ادبیات و شعر و ترسل یگانگی زمان خویش بشمار می آمد.

چنانکه در بالا اشارت رفت سلطانعلی در بیست سالگی مشهور شد تا آنجا که عده‌ای ترك و تاجیک برای تعلیم خط نزد وی می‌آمدند و او بدون اطلاع از قواعد خوشنویسی، به سلیقه‌ی خود شاگردان را تعلیم می‌داد، میرزا حیدر دوغلات، مولف کتاب تاریخ رشیدی درباره‌ی خط وی نوشته است «عام فریب بوده است و کاتب‌پسند، نی» و اشاره می‌کند که جعفر تبریزی در زمان شاهرخ بایسنقر، خمسه‌ی نظامی را آغاز به کتابت کرد، لیکن ناتمام ماند. میرزا سلطان ابوسعید خواست تا آن نسخه تمام شود و پرسید آیا کسی هست که بتواند این خمسه را تمام کند؟ گفتند آری، جوانیست سلطانعلی نام. پس میرزا ابوسعید، سلطانعلی را طلبید و به کتابت خمسه اشارت کرد.

سلطانعلی انجام این خدمت را پذیرفت و یک جزو از آن را کتابت و عرضه کرد. در همان هنگام اظهر خوشنویس با جمعی دیگر در بیرون کاخ نشسته بود. جزوه‌ی نوشته‌ی سلطانعلی را به‌دوی نمودند. برآشفته و به سلطانعلی گفت تو با این خط و اسلوب، خمسه‌ی جعفر را تکمیل خواهی کرد؟ او را از درخانه بدان‌درون برد و کف‌پایی زدو دوروز محبوس کرد. بعد از او دلجویی کرد و بدو گفت که ای فرزند، تو قابلیت و استعداد داری، ولی خط تو خود روی است و اسلوب ندارد. از آن پس اظهر در پی تعلیم سلطانعلی برخاست و قطعه‌ای به‌وی داد تا از روی آن مشق کند.

مولانا اظهرالدین او را به تحصیل حسن خط واداشت و دائماً به او از راه نصیحت و موعظت این شعر را می‌خواند:

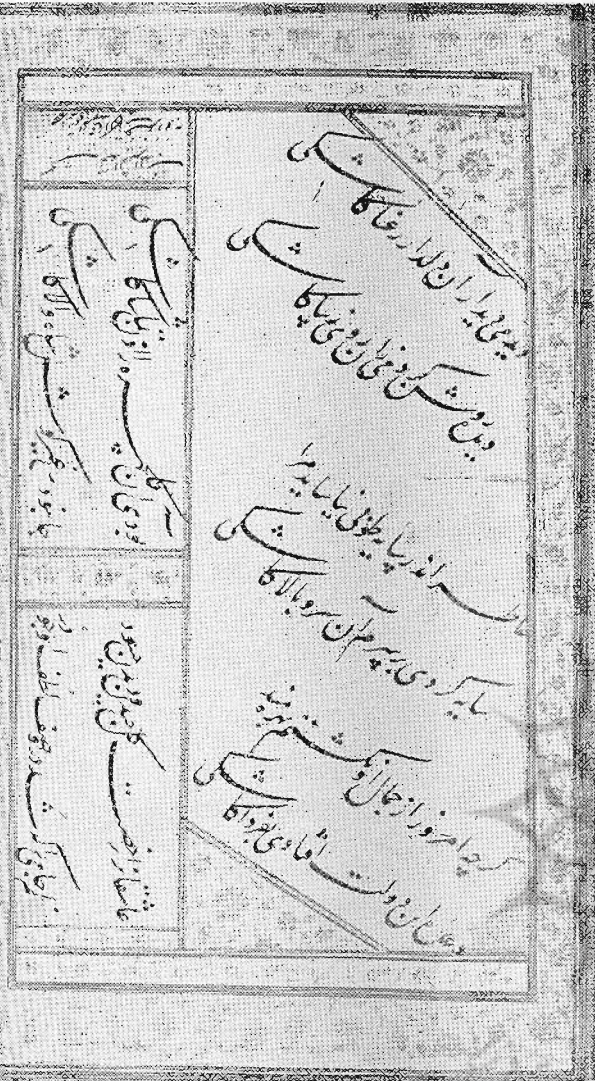
در روز کن مشق خفی در شام کن مشق جلی

در مورد استاد و معلم سلطانعلی مشهدی اقوال مختلفی است. بعضی از مورخان و تذکره‌نویسان، معلم وی را مولانا اظهرالدین تبریزی و بعضی‌ها حافظ حاجی محمد، شاکرد اظهرالدین تبریزی می‌دانند و بعضی او را شاکرد مولانا جعفر دانسته‌اند.

باری چون آوازه‌ی خوشنویسی سلطانعلی به اطراف خراسان رسید سلطان حسین میرزا با پتراگورگانی (۸۷۳ - ۹۱۲) وی را به هرات فراخواند و در کتابخانه‌ی خاصه بکار کتابت گذاشت. سلطانعلی بهمین مناسبت در بعض نسخه‌ها پس از ذکر نام خود عنوان «کاتب السلطانی» افزوده است.

سلطانعلی بالاعلازمه با وزیر دانشمند و هنرپرور، امیر علیشیر نوایی نیز آشنا شد و آثاری بنام این وزیر از خود به یادگار گذاشت. در آن‌جا، با عبدالرحمن جامی که از مقربان و محترمان بود، از در دوستی درآمد و بسیاری از آثار منظوم و منثور وی را کتابت کرد.

سالها در دربار سلطان حسین میرزا، مرفه و محترم



قطعه خط نستعلیق چلیبا با حاشیه مذهب و تعبیر بقلم دودانگ و یک‌دانشگ خفی  
 بخط محمد ابرشمی المشهدی از شاگردان اربعه سلطانعلی مشهدی  
 قرن دهم هجری قمری  
 اندازه بدون حاشیه ۱۹x۱۲  
 موزه هنرهای تزئینی ایران

می‌زیست و در سلك همشینان او بود و باروی باز با امیر سخن می‌گفت و امیر توجه بسیار به آثار قلمی وی داشت و با دقت تمام به آنها می‌نگریست.

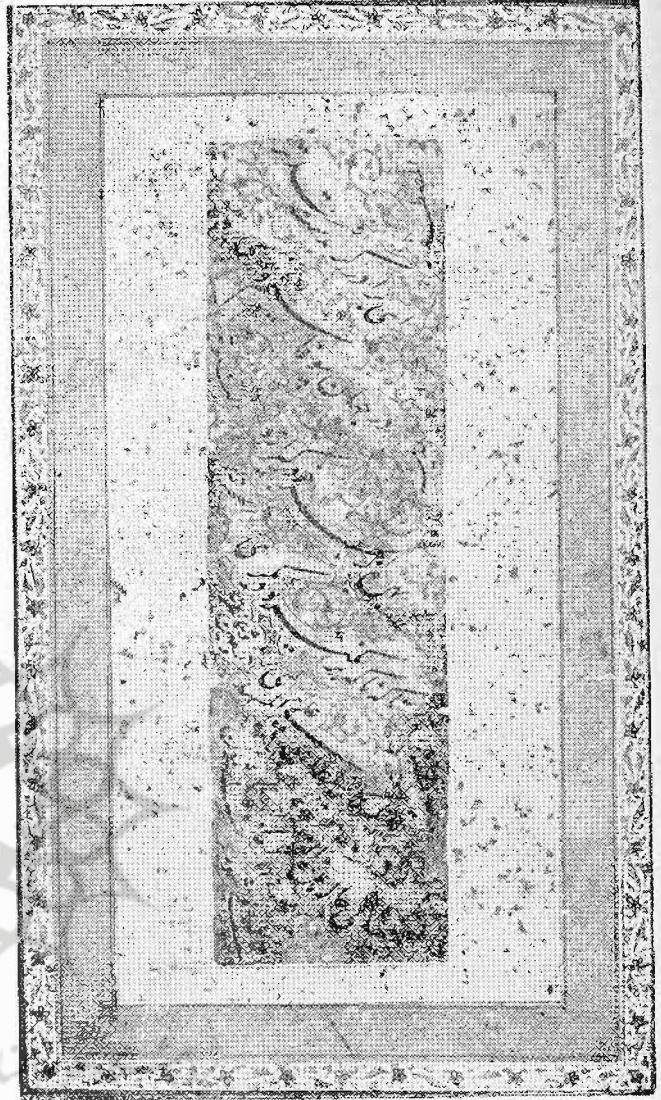
از عناوین و القابی که بوی دادند می‌توان از نظام‌الدین - زینت‌الکتاب - قیلة‌الکتاب - سلطان‌الخطاطین و بالاخره کاتب‌السلطانی نام برد.

مولانا سلطانعلی مشهدی، سالها در کنار سلطان حسین میرزا بایقرا روزگار گذرانید و پس از درگذشت او سلطنت و خاندان او به دست شاهی بیگ‌اوزبک در هرات بر افتاد. سلطانعلی می‌پنداشت که فرمانروای تازه، از هنرشناسی بهره‌ای دارد... قطعه‌ای بنوشت و هنر خود را به‌وی عرضه کرده ولی بسیار در شگفت آمده که دید، بقول صاحب گلستان هنر «آن ترک جاهل قلم بدست گرفته مولانا را پیش طلبیده و آن قطعه را بقلم تعلیم و اصلاح در آورد.» همان هنگام سلطانعلی دریافت که جای وی در آن دستگاه نیست. پس از هرات رخت به سوی زادگاه خود مشهد کشید و آنرا گزید و پس از تحمل چند سال رنج لنگی آبله، که در پایان منظومه‌ی صراط‌الستورخط به آن اشاره کرده، به تاریخ دهم شهر ربیع‌الاول سال ۹۲۶ هجری بسن هشتاد و پنج سالگی رخت به جهان دیگر کشید و به قول قاضی میراحمد منشی قمی، صاحب گلستان هنر، در محانات مزار حضرت ثامن الائمه که از بیرون متصل به گنبد امیرعلیشیر نوایی و مدرسه‌ی شاهرخی است نزدیک پنجره‌ی فولاد به خاک سپرده شد.

محمد ابریشمی یکی از شاگردان وی، ابیات زیر را سروده و در لوح آرامگاه وی به خط خود نوشته است:

آن کو رقم‌زدی قلمش خط جانفزا  
در حرف او کشید قلم کاتب قضا  
جان یافتی قلم چو رسیدی به خط او  
آخر ولی شدش قلم دست، خاک پا  
خطش همین نبود نکو در طریق نظم  
لطف سخن چو حسن خطش بود دلگشا  
ره داد از مناسبت نام نزد خویش  
سلطان ابوالحسن علی موسی رضا  
رو در فناست هر چه که بینی به غیر او  
ماند همین خدا و نماند بجز خدا

و در حواشی لوح، رباعی ذیل از خود سلطانعلی را نیز محمد ابریشمی نوشته است:



قطعه خط نستعلیق چلیبای مذهب بقلم یکدانگ  
به خط سلطانعلی مشهدی  
تورخ ۱۸۹۸ ه. ق  
اندازه بدون حاشیه ۴×۱۵  
موزه هنرهای تزئینی ایران

۲- استاد الاساتید اظهر تبریزی شاگرد میرزا جعفر بایسنقری و یکی از معروفترین خوشنویسان قرن نهم و استاد مولانا سلطانعلی مشهدی و ملازم سلطان ابوسعید بن میرانشاه تیموری (۸۵۵-۸۷۳) بود.

عین عدم والم بود عالم دون  
 زنهار در او مجوی آرام و سکون  
 چون اکثر جزو عالم آخر الم است  
 رفتیم از این الم دل غرقه به خون

سلطانعلی علاوه بر خوشنویسی به نظم اشعار نیز رغبت داشت و بدقول میرعلی هروی در قواعد الخطوط، اکثر منظومات مولانا بالبدیهه بوده و هرگاه به یاران و شاگردان رقعہ می نوشت، نظم بدیهه می گفت. از آن جمله این رباعی است که به استاد بهزاد نقاش نوشته است:

فرزند عزیز ارجمندم بهزاد  
 گه گدازش به این طرف می افتاد  
 او عمر من است از ره صورت لیکن  
 عمریست که از منش نمی آید یاد

در مراتب خوشنویسی سلطانعلی مشهدی، قلم فرسایی هایی شده و خط او را در ملاححت و مزه و دلپسندی و همهی اوصاف خط و عموم اصناف، از قطعه نویسی و کتیبه نگاری و کتابت در اعلی مدارج خوشنویسی نهاده و بعضی آنرا به سر حد اعجاز رسانیده اند.

قاضی میراحمد منشی قمی، صاحب گلستان هنرمیگوید: «اما کسیکه گوی رجحان از میان خوشنویسان زبده قبله کتاب مولانا سلطانعلی مشهدی بود که خطش در میان خطوط کالمس بین سایر الکواکب عالمگیر شد و خط او بجایی رسید که از محالات است که دست کسی بدانجا رسد.» صاحب کتاب خلاصه التواریخ می نویسد:

«... در خط نستعلیق وحید زمان و یگانه دوران گشت.»

میرعلی هروی در رساله ای مگدا الخطوط خود می گوید: «مولانا سلطانعلی مشهدی هم اصول جعفر و هم صافی اظهار را داشت»

شادروان استاد مهدی بیانی در مراتب خوشنویسی سلطانعلی فرماید:

«آنچه مسلم است اینکه، خط سلطانعلی مشهدی بسیار صاف و استوار است ولی پختگی و درستی آن حتی بدرجهی خط شاگردان خود او نیست و غالب شاگردان وی با همان شیوه، و بعضی خط او را با جزئی تغییر شیوه، شیواتر و درست تر از او نوشته اند و خوشنویس معاصر وی یعنی شیخ دجمد امامی هروی<sup>۲</sup> بمراتب خط نستعلیق را از سلطانعلی مشهدی خوشتر می نوشته است.»

سلطانعلی مشهدی علاوه بر خوشنویسی و شعر به عام موسیقی و ادوار آشنا بوده و بنا به قول میرزا حبیب او از مذهب و قاطعی سررشته داشته است.

سلطانعلی در تعلیم و تربیت شاگردان سعی و کوشش زیادی به خرج داده و از شاگردان برجستهی آن استاد می توان



قطعه خط نستعلیق چلیبا با متن زرافشان و حاشیه تشعیر بقلم دودانگ خنی و حواشی بقلم کتابت جلی

بخط سلطان محمدخندان از شاگردان اربعه مولانا سلطانعلی مشهدی

قرن دهم هجری قمری

اندازه بدون حاشیه ۲۴×۱۳

موزه هنرهای تزئینی ایران

از سلطان محمد نور - سلطان محمد خندان - محمد ابریشمی - زین الدین محمود - محمد رزه‌ای فرزند علاء الدین رزه‌ای - پیرعلی جامی - محمد قاسم شادشاه - عبدی نیشابوری (معروف به عبدی قلندر) - قلندر کاتب - میر حبث‌الله کاشانی - رستم علی خراسانی - ملاغیاث الدین محمد مذهب - سلطان علی سیز مشهدی - منصورعلی ترک - ملا محمد سروستانی - جلال الدین محمود - شیخ نورالدین پورانی - عبدالواحد مشهدی - شمس الدین محمد کرمانی - جمشید معمایی - عبدالحمید مشهدی - عبدالوهاب مشهدی نام برد. البته بعضی از مورخین و تذکره نویسان، میرعلی هروی را نیز از شاگردان مولانا به حساب آورده‌اند. از میان شاگردان چهارگانه‌ی سلطانعلی، خط سلطان محمدنور، مخصوصاً در کتابت بدسایرین ترجیح دارد و حتی از خط استاد نیز فراتر رفته است. از چند نمونه از خط محمد ابریشمی نشانه‌های استادی به‌حسوس است.

آنچه نباید از نظر دور داشت اینست که سلطانعلی مشهدی در خط تعلیق به مراتب عالی خوشنویسی رسیده است و لمسی متناسفانه آثار زیادی از خط تعلیق وی در دست نیست. قطعه خط تعلیقی که در مرقع سلطان یعقوب در کتابخانه‌ی نژادنی اوقاف اسلامبول نگهداری میشود، معرف استادی و زبردستی اوست. رقم و تاریخ این قطعه که بدقلم نیم‌دو دانگ و بدخط تعلیق عالی نوشته شده به این شرح است:

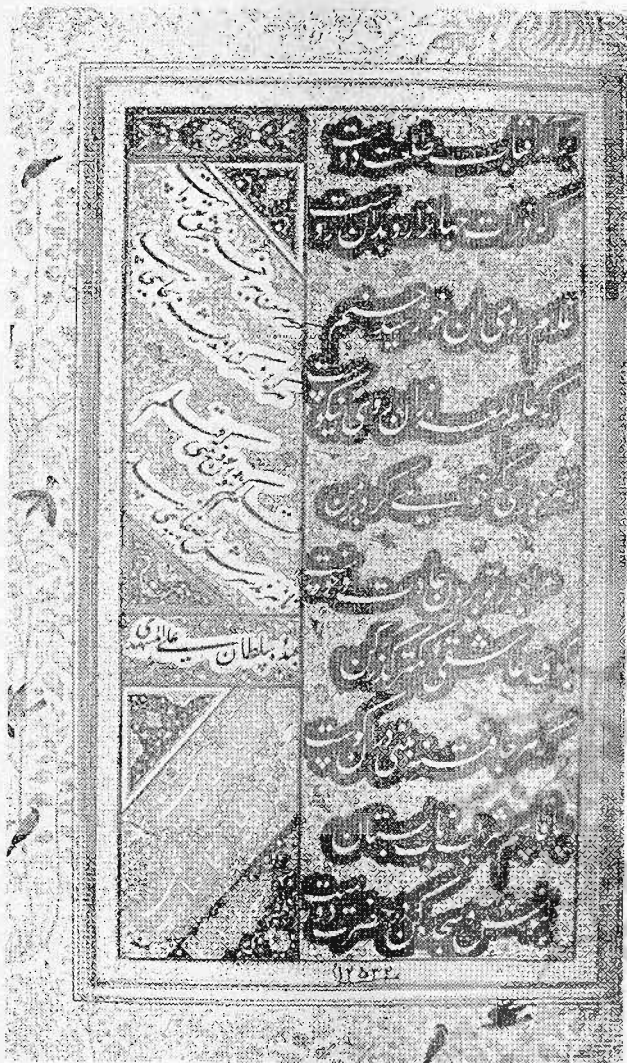
«مشقه راجیاء الی الله الغنی سلطان علی المشهدی فی سنه ثمان و سبعین و ثمانائنه».

آثار خطی مولانا سلطانعلی را می‌توان بدسه‌دسته تقسیم کرد:

- ۱- کتیبه‌ها: ۲- کتابها ۳- قطعات و مرقعات.
- ۱- کتیبه‌ها: الف - کتیبه‌ای روی سنگ مرمر در طرف غربی خواجه عبدالله انصاری در بیرون شهر هرات که بر دیوار سکویی نصب شده است و چند سنگ قبر از اولاد میرزا منصور، پدر سلطان حسین میرزا، در آنجاست.
- ب- سنگ قبر محمد بن باقر با تاریخ ۸۵۳.
- ج- سلطان ابراهیم بن منصور با تاریخ ۸۴۹.
- د- احمد بدیع میرزا بن منصور.
- ه- محمد مظفر میرزا بن منصور با تاریخ ۸۵۳.
- و- کتیبه‌های عمارات و منازل «باغ جهان‌آرا» مشهور به باغ مراد و بالاخره اوراق کتاب «مجالس النفایس» امیر علیشیر نوایی که در حوض آب خانگی امیر مزبور بدسنگ مرمر نوشته بوده است.

### ۲- کتابها:

الف - نسخه‌ی گوی و چوگان بنام حالنامه‌ی عارفی، به‌قلم کتابت خفی عالی از کتابخانه‌ی ابوالفتح بهرام میرزای صفوی که رقم و تاریخ آن چنین است: «وقف بکتابه

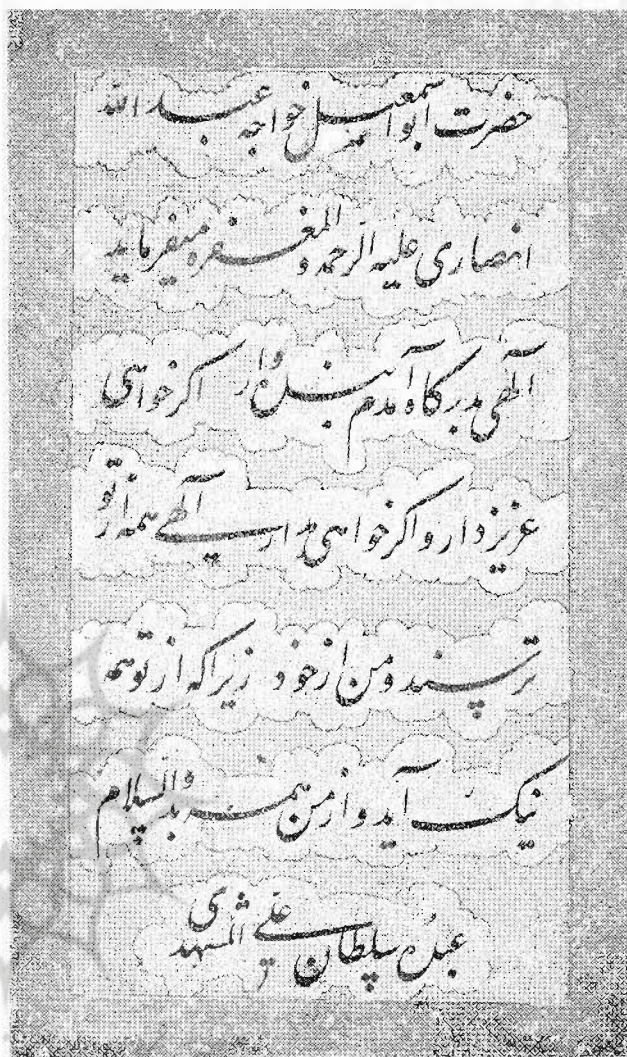


سمت راست: قطعه خط نستعلیق قطعی مذهب و با تشعیر هندی (ورقی از موقع گلشن)  
 بخت سلطانعلی مشهدی  
 قاطع: دوست محمد منصور (از استادان زبردست قطعی)  
 اندازه بدون حاشیه ۲۳×۵۸  
 سمت چپ: قطعه خط نستعلیق مذهب با لچک‌های مذهب چلیبی بدقلم یک‌دانگ  
 بخت سلطانعلی مشهدی متوفی بسال ۹۲۶ ه. ق  
 اندازه بدون حاشیه ۱۴×۵۸ (موزه هنرهای تزئینی ایران)

۳- شیخ محمد امامی هروی که ظاهراً در دربار سلطان یعقوب و رستم آق‌قویونلو بود. تا حدود سال ۹۰۰ در قید حیات بوده، از آثار گرانبه‌ای وی می‌توان انیس‌العاشقین را نام برد که در کتابخانه‌ی سلطنتی سابق موجود است و تاریخ ۸۸۷ را دارد.

۴- سلطان محمد نور - سلطان محمد خندان - محمد ابریشمی وزین الدین محمود را شاگردان چهارگانه‌ی مولانا می‌نامند.

قطعه خط نستعلیق بقلم دودانگ  
بخط مولانا سلطانعلی مشهدی  
متوفی بسال ۹۳۶ هـ. ق  
اندازه بدون حاشیه ۱۵۵×۸۵  
موزه هنرهای تزئینی ایران



ر - نسخه‌ی دیگر گوی و چوگان (حالنامہ‌ی عارفی)، بقلم کتابت خفی خوش .  
ز - بوستان سعدی، بقلم کتابت عالی .  
ژ - ترجمه‌ی منظوم چهل حدیث، ترجمه‌ی جامی، بقلم سہ دانگ و کتابت جلی متوسط .  
س - غزلیات شاهی، بقلم کتابت خوش .  
ش - نسخه‌ی دیگر از ترجمه‌ی منظوم چهل حدیث، بقلم دو دانگ و کتابت خوش .  
ص - خمسه‌ی نوایی (ترکی)، بقلم کتابت خوش. تاریخ ۸۹۸ .  
ض - دیوان نوایی (ترکی)، بهمان قلم و رقم و تاریخ ۸۷۰ .  
ط - دفتر پنجم از شش دفتر مثنوی مولانا، بقلم کتابت خوش .  
ظ - مجموعه‌ی اشعار متفرقه، بقلم کتابت خوش، تاریخ

هذه النسخة المنظومة اقل الكاتبين سلطانعلي بن محمدالمشهدی فی رابع ذی قعدة سنة اربع وسبعين وثمانمائه به دارالسنه هرات حیت عن الافات والبلیات .»

ب - رباعیات خیام بتقطع رحلی، بقلم دودانگ عالی .  
پ - يك نسخه تحفته الاصرار جامی، بقلم کتابت خوش .  
ت - مخزن الاسرار نظامی، بقلم نیم دودانگ خوش .  
ث - دیوان حافظ بصورت مرقع، بقلم نیم دودانگ خوش .  
ج - غزلیات ترکی شاهی، بقلم کتابت خطی خوش .  
چ - منتخب دیوان حافظ، بقلم نیم دودانگ متوسط .  
ح - رساله‌ی گل و مل سلطان حسین میرزا بایقرا، بقلم کتابت خفی خوش .  
خ - دیوان سلطان حسین میرزا بایقرا، بقلم کتابت جلی خوش .

د - دیوان حافظ، بقلم کتابت عالی .  
ذ - مناجات خواجه عبداللہ انصاری .

قطعه خط نستعلیق چلیپا، نذهب بقلم دودانگ و کتابت  
به خط سلطانعلی مشهدی  
متوفی سال ۹۳۶ هـ. ق  
اندازه بدون حاشیه ۱۱۵×۲۱۵  
موزه هنرهای تزئینی ایران



منظوم درآورد و درآن ازخود و هنرش سخن گفت. این رساله‌ی خطی ۱۵×۲۳ سانتیمتر و محتوی ۱۴۰۱ برگ است. صفحات نسخه فاقد شماره گذاری است. متن رساله با مرکب در دو ستون ۱۲ سطری به خط زیبای نستعلیق جلی نوشته شده است. عنوان فصول با آب طلا و به رنگ لاجوردی است. کاغذ نسخه ضخیم و اندکی براق است.

تجلید و تذهیب رساله با ظرافت و زیبایی انجام گرفته، صفحات دارای خط‌کشی و حاشیه‌ی مطالاست. بالای ظهر صفحه‌ی اول عنوان و سرلوحه‌ای از طلا و لاجورد قرار دارد که در یکی از لوزیهای آن اعضای مذهب به شرح زیر نوشته شده است: «تذهیب کتاب از عبدالله جلال الدین». زمینه‌ی صفحه اول و دوم تماماً با آب طلاست. حاشیه‌ی این نسخه به نقوش طلایی و بسیار زیبایی از پرندگان و جانوران و گیاهان مزین است. جلد رساله، رنگ سبز سیر دارد و در حالیکه با تصاویر حیوانات و پرندگان عجیب تزئین شده، با حاشیه‌ی طلایی رنگ باریکی از گل‌ها و برگ‌ها منقوش و محاط است.

مصنف، عنوانی بر آن نوشته است و فقط در صفحه‌ی

سال ۸۸۰.

ع کلیات خواجه‌ی کرمانی، بهمان قلم و رقم و تاریخ ۸ ربیع‌الاول سنه ۸۷۳.  
غ مخزن الاسرار نظامی، بهمان قلم و رقم و تاریخ جمادئ الثانیه سنه ۸۶۵.

ف گلستان سعدی، بقلم نستعلیق کتابت عالی.  
ق دیوان امیر شاهی متن نستعلیق، بقلم کتابت عالی و عناوین بقلم رقاع نیمه و دودانگ عالی.  
ک یوسف و زلیخای جامی، بقلم کتابت خوش، تاریخ

۸۹۸.

گ غزلیات موسی، بهمان قلم.

ل نسخه‌ی دیگر گلستان سعدی.

م نسخه‌ی دیگر دیوان امیر شاهی، تاریخ ۹۲۰.

ن تحفة الاحرار جامی، با همان رقم، تاریخ ۹۰۵.

و نسخه‌ی دیگر خمسه‌ی نوایی (ترکی)، تاریخ ۸۹۷.  
و بالاخره رساله‌ی منظوم ملا سلطانعلی، که بعداً به صراط‌السطور در خط مشهور شد. وی در پایان عمر به سال ۹۲۰ هـ. ق. عقاید خویش را در باره‌ی خوشنویسی و رسم الخط به شکل رساله‌ای



اول، عنوانی که بعدها نوشته شده به مضمون زیر دیده می شود:  
 «رساله ملاسلطان علی در خط.» در برگ ۱۴ کنار آخرین بیت  
 چنین نوشته شده است: «کتابه المذنب سلطان علی المشهدی.»  
 در متن برگ ۱۴ آمده:

ذکر اتمام نظم این نامه

نهد و بیست ز درقم خامه

بود ماه نخست از اول سال

که بر آخر رسید قال و مقال

رساله‌ی منظوم سلطانعلی، از حیث حجم کوچک است و  
 مرکب از ۲۷۳ بیت می باشد. سه فصل اول رساله، علی‌الرسم  
 به حمد خدا و نعت پیامبر و وصی او حضرت علی (ع)  
 اختصاص داده شده است. در چهار فصل بعد، مصنف از دوران  
 کودکی و جوانی و گرایش و عشق خود به خوشنویسی و  
 چگونگی کسب کمال و چیره دستی در این فن سخن می گوید  
 و ضمن شرح زندگی خود، مطالبی درباره‌ی تهیه‌ی اسباب و  
 لوازم خطاطی و رسم الخط و اسلوبهای تعلیم خوشنویسی ذکر  
 می کند. ۲۲ فصل، محتوی ۱۵۸ بیت، یا بیش از نیمی از  
 رساله‌ی وی اختصاص به شرح این هنر دارد.

از آن جمله است: دستور خطاطی با شرح مفصل قواعد  
 و طرز تهیه‌ی لوازم خط‌نویسی، که روشنی و زیبایی خط تا  
 حد زیادی به آن بستگی دارد. انتخاب فی و طرز تراشیدن آن  
 برای قلم، شیوه‌ی تهیه مرکب و انتخاب بهترین کاغذ و رنگ  
 آن و تهیه‌ی آهار قبل از مهره کشیدن. در آخرین فصل‌های  
 رساله، وی بار دیگر به شرح زندگی و سرگذشت خویش در  
 مشهد، هنگامی که سنین عمرش به ۸۴ رسیده بود، باز میگردد.  
 رساله‌ی که به مثنوی خفیف نوشته شده، از لحاظ شکل  
 و شیوه‌ی بیان ساده است و از این رو بر اشعار متکلف آن زمان  
 برتری دارد. قریحه‌ی شاعرانه‌ی مصنف موجب شده است که  
 دستور رسم الخط وی تنها به شرح خشک و بی‌روح قواعد  
 خوشنویسی نپردازد، بلکه داستان زنده و هیجان‌انگیزی از  
 این هنر عالی ارائه دهد.

ذکر این نکته ضروری است که رساله‌ی مزبور منبع پر  
 ارجی است که زندگی و آثار یکی از خوشنویسان برجسته و  
 چیره دست خراسان را شرح میدهد و به کمک آن میتوان تواریخ  
 مهم و صحیح رویدادهای زندگی سلطانعلی را معلوم کرد.  
 رساله‌ی سلطانعلی مشهدی از لحاظ هنر خوشنویسی مردم  
 ایران و آسیای میانه در سده‌های نهم و دهم هجری، اهمیت  
 بسیار دارد. سلطانعلی شرح ویژگی‌های خط نستعلیق را بعد از  
 بیان داستان اختراع نستعلیق از نسخ و تعلیق به وسیله‌ی میرعلی  
 تبریزی، خطاط معروف، میدهد. در این رساله توجه وافعی به  
 مسایل تعلیم خط و مشق و قواعد نقل و استساخ مبذول گشته،  
 قواعد تحریر بعضی از حروف در فصل ویژه‌ای شرح داده



قطعه خط نستعلیق چلیپا بقلم دودانگ و یک دانگ  
 به خط سلطانعلی مشهدی  
 متوفی سال ۹۳۶ ه. ق  
 اندازه بدون حاشیه ۸x۱۶٫۵  
 موزه هنرهای تزئینی ایران

شده، ضمناً تصریح شده است که آشنایی خطاطان جوان با اشکال و شیوه‌های گوناگون رسم حروف باید عملی و تجربی باشد. یعنی استاد آزموده باید قلم به دست گیرد و اشتباهات شاگرد را بگوید و راه رفع اشتباه را ارائه دهد.

در بین خوشنویسان، در نتیجه‌ی تجارب قرن‌های متمادی، برای انتخاب بهترین نی قلم و تراش آن و انتخاب کاغذ و طریق رنگ کردن آن به الوان گوناگون، ترکیبات مختلف برای تهیه‌ی مرکب سیاه و رنگ‌های دیگر و طرز بست آوردن محلول طلا برای تذهیب و محلول فقره، اصطلاحات خاص و اسرار و حکمتی وجود داشته است. سنتی که در طی سده‌های مختلف بین خوشنویسان رایج بوده در رساله منعکس شده است، اما سلطانعلی از طرق و شیوه‌های نوینی در تهیه‌ی لوازم خطاطی، به ویژه قلم و رسم الخط، که بیشتر با سبک جدید نستعلیق منطبق باشد سخن گفته است.

در هنر خوشنویسی اسلوب کار از استادی به استادی دیگر و از نسلی به نسل دیگر، سینه به سینه منتقل می‌شده است و غالباً همچون رازهای حرفه‌ای بحساب می‌آمده است. از او وعدم تمایل به اینکه اسلوب پیشه‌ی خود را آشکار کنند خاص پیشه‌وران بوده است.

رساله‌ی سلطانعلی که اسرار پیشه‌ی خوشنویسی را مشروحاً نقل و فاش می‌کند، در این رهگذر پدیده‌ای تازه و پیشرو بشمار می‌آید.

در ضمن تجزیه و تحلیل رساله‌ی سلطانعلی انعکاس نظر و عقیده‌ی وی درباره‌ی سنت‌های پیشه‌وران می‌بینیم. وی در رساله‌ی خویش بر این عقیده است که این سنت خط منشاء الهی دارد و خداوند، قلم را آفریده و حضرت علی ابن ابیطالب (ع) استاد خطاطی و مخترع خط کوفی و سرور خوشنویسان است. نکات مشترک رساله‌ی سلطانعلی با اکثر رسالات حاوی روایات و سنت‌های حرفه‌ای و آیین‌نامه‌های پیشه‌وران ایران و آسیای میانه که منشاء پیشه‌ها را الهی می‌دانند و به رابطه‌ی اهل حرفه با حضرت باری تعالی و رسول وی حضرت محمد (ص) و سران روحانی هر حرفه معتقدند، بسیار است.

نفوذ روایات، سنتها و رسالات پیشه‌وران در نظریات سلطانعلی از جهت دیگر هم محسوس است. وی از استاد خوشنویس می‌خواهد که پای بند قیود اخلاقی باشد و از دروغ و بهتان و غیبت و حسد بپرهیزد و چنین می‌گوید:

داند آن کس که آشنای دلست

که صفای خط از صفای دلست

یا در جای دیگر می‌گوید:

ای که خواهی که خوشنویس شوی

خلق را مونس و انیس شوی



قطعه خط نستعلیق مذهب بقام کتابت جلی

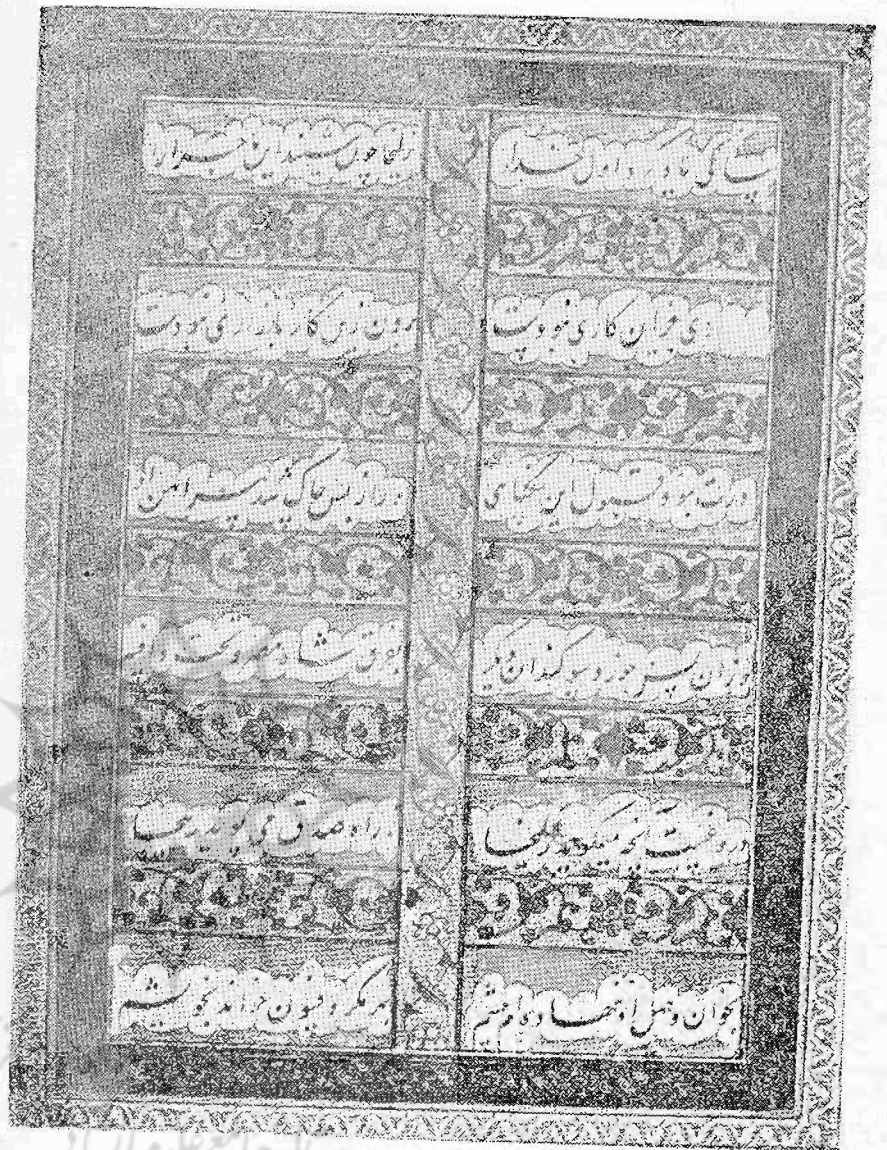
منسوب به سلطانعلی مشهدی

متوفی سال ۹۴۶ ه. ق

اندازه بدون حاشیه ۱۹x۱۱

موزه هنرهای تزئینی ایران

قطعه خط نستعلیق مذهب بقله کتابت  
منسوب به سلطانعلی مشهدی  
متوفی سال ۹۴۶  
اندازه بدون حاشیه ۱۱×۷  
موزه هنرهای تزئینی ایران



هجری بود. احتیاج به تربیت استادان خوشنویس افزون شد و این خود بالنتیجه موجب تصنیف رسالات و تالیفات گشت. رساله‌ی سلطانعلی مشهدی از همان تاریخ تصنیف تاکنون در ایران و آسیای میانه مشهور است. بجای شناخت اهمیت رساله‌ی سلطانعلی باید مقام آنرا در میان رسالات رسم الخط فارسی و نفوذی را که در برخی آثار بعدی داشته است در نظر بگیریم. از جمله تأثیر آن بر رساله‌ی آداب المشق میرعماد قزوینی، خوشنویس مشهور است که ظاهراً در نیمه‌ی دوم قرن دهم هجری نوشته شده است. رساله‌ی آداب المشق مربوط به قواعد رسم الخط نستعلیق است و طرق و اصطلاحات خوشنویسی را مشروحاً بیان می‌کند. مصنف رساله‌ی آداب المشق از رساله‌ی سلطانعلی اطلاع وافیه داشته و تمام نظریات خویش را در مسایلی که در رساله‌ی سلطانعلی مطرح شده به یاری نقل قول‌هایی

خطای خط مقام خود سازی  
عالمی پرزنام خود سازی  
ترك آرام و خواب باید کرد  
وین به عهد شباب باید کرد  
سربه کاغذ چو خامه بر سودن  
روز و شب لحظه‌ای نیاسودن  
خط نوشتن شعار پاکان است  
هرزه گشتن نه کار انسان است

اثر منظوم سلطانعلی در رسم الخط و طرز تعلیم خوشنویسی، بر اثر ضرورتی که ترقی هنر خطاطی در آن عصر ایجاب می‌کرد پدید آمد. نسخه‌های زیبای خطی بیش از پیش مورد تقاضا قرار گرفت و این افزایش تقاضا مولود ترقی فرهنگ شهرها و ادب ایرانیان و ساکنان آسیای میانه در قرنهای نهم و دهم

خوشنویس جوان دارد، همدی اینها کلمه بد کلمه نکل یا مقصلا شرح داده شده است. در سراسر اثر میرعماد قزوینی تأثیر رساله‌ی سلطانعلی مشهود است و بعضی از بخش‌های آداب‌المشق تفسیر مشروحه‌ی از نظریات سلطانعلی میباشد.

مطالب یاد شده گواه بر آن است که مقام سلطانعلی در هنر خوشنویسی بسیار والا و اثر وی منبع اصلی کسب معلومات نظری و فنی در سبک نستعلیق بوده است.

در بخشی از رساله‌ی یاد شده، مطالب جالب توجهی در باره‌ی زندگی مصنف گنجانده شده که جهان‌بینی و عقاید او را راجع به حسن خط و نقش خوشنویسی منعکس می‌کند و در بخش دیگر فن و هنر خوشنویسی مورد مذاقه قرار گرفته که از لحاظ علمی پر ارزش است.

تلفیق این دو بخش، رساله‌ی سلطانعلی را بصورت منبع بی‌مانندی برای بررسی هنر خطاطی مردم ایران و آسیای میانه در آورده است.

### ۳- قطعات و مرقعات :

الف- ۱۵ قطعه در مرقعات مختلف به قلم‌های سه دانگ تاغبار، در کتابخانه‌ی سلطنتی سابق.

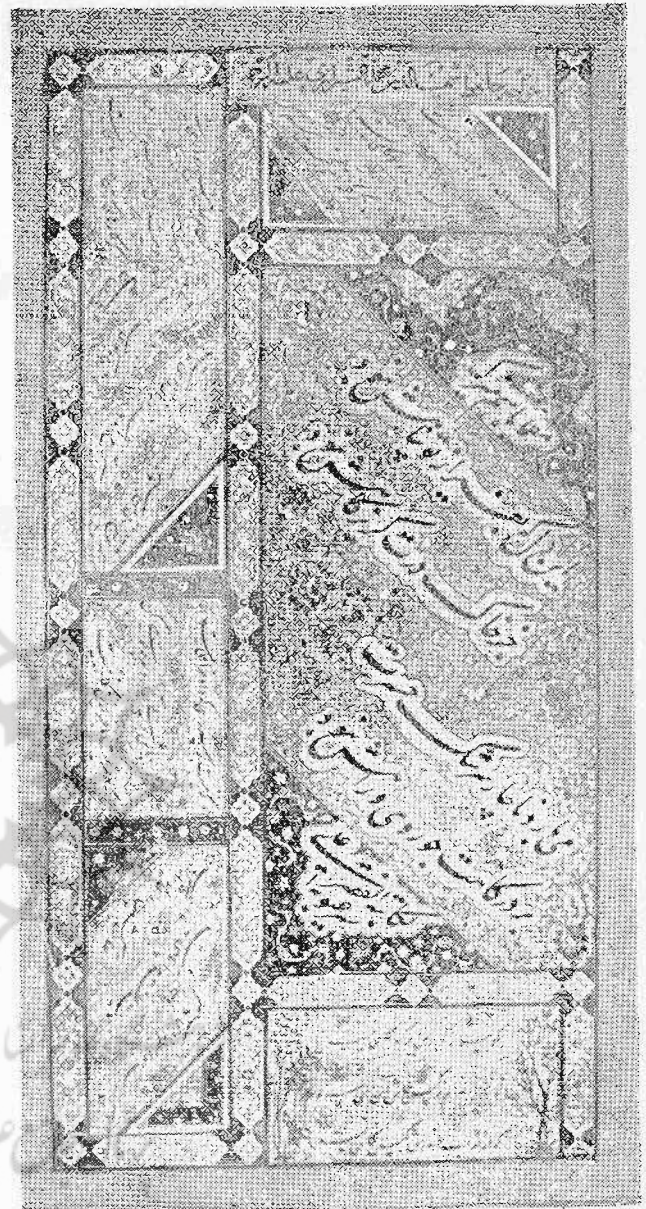
ب- ۷ قطعه از مرقعات در کتابخانه‌ی دانشگاه اسلامبول، به قلم دو دانگ تاغبار.

پ- ۴۷۰ قطعه در مرقعات بهرام میرزا - امیرغیب بیگ - شاه اسماعیل - شاه طهماسب و شاد عباس صفوی و غیره در کتابخانه‌های طوپ قابوسرای اسلامبول، به قلم‌های پنج دانگ تاغبار عالی و خوش و متوسط با تاریخ‌هایی از سال ۸۸۵ تا ۹۰۳.

ت- قطعات متفرقه‌ی دیگر و مرقعاتی در کتابخانه‌ی ملی - کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی - کتابخانه‌ی عمومی لنینگراد - کتابخانه‌ی ملی پاریس - کتابخانه‌ی موزه‌ی بریتانیا - کتابخانه‌ی دانشگاه پنجاب لاهور و کتابخانه‌ی ملی وین.

### منابع و مأخذ :

- ۱- احوال و آثار برگزیده‌ی خوشنویسان، شادروان دکتر مهدی بیانی.
- ۲- مجله‌ی پیام‌نوین، سال اول، شماره ۶، اسفند ۱۳۳۷.
- ۳- اطلس خط، حبیب‌الله فضائلی.
- ۴- گلستان هنر، قاضی میراحمد قمی.
- ۵- رساله‌ی سلطان‌علی‌المشهدی (یا صراط‌السطور) در خوشنویسی، ای. کاستیگوا، ترجمه‌ی کریم کشاورز.
- ۶- رساله‌ی آداب‌المشق، میرعماد الحسنی قزوینی.
- ۷- رساله‌ی مبادالخطوط، میرعلی هروی.
- ۸- کتاب پیدایش خط و خطاطان، عبدالحمیدخان ایرانی، نگارش علی راهجیری، تهران، ۱۳۴۶.
- ۹- کتاب تاریخ مختصر و سیر خوشنویسی در ایران، نگارش علی راهجیری.
- ۱۰- مجله‌ی هنر و مردم، شماره ۷۲.



قطعه خط نستعلیق چلیپای مذهب با لک‌های مذهب و با حاشیه تشعیر هندی صحیح‌ای از مرقع گلشن با قلم دو دانگ بخط میرعلی هروی قرن دهم ه. ق خطوط نستعلیق حواشی بخط سلطانعلی مشهدی بقلم کتابت حنفی متوفی بسال ۹۴۹ اندازه بدون حاشیه ۱۳×۲۴ موزه هنرهای تزئینی ایران

از وی، تأیید و تحکیم می‌کند. در رساله‌ی میرعماد نظریات سلطانعلی در انتخاب قلم و تراش آن و ضرورت آزمایش قلم پس از قطازدن و انواع رنگ کاغذ و تهیه‌ی آهار، که قبل از بهره‌کشیدن می‌زنند، و طرز تعالیم خط و توقعات اخلاقی که از